



نسیم خلیلی
نویسنده و پژوهشگر

در روایت «وقتی موسی گشته شد»، مخاطب با یک داستان تاریخی روبه‌روست، چنانچه در توضیح پشت جلد کتاب هم آمده است که داستان راوی زندگی مردی جوان است در دوران طالبان؛ دوران نخست طالبان؛ داستان تاریخی یا کوشش برای خوانش تاریخمدر ادبیات، از جمله ضرورت‌های امروز است، امروز که انسان در جست‌وجوی مردم در تاریخ است و برنرفتش از گفتمان تاریخنگاران کلاسیک به سمت تاریخنگاری مردم‌محور و از همین رهگذر است که باید گفت اینکه یک قصه گویی تا این اندازه به تاریخ و بازنمایی‌اش بر بستری اجتماعی پایبند باشد، آن هم در دوره سخت و سهمگین و پر حادثه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، اتفاق بسیار مبارکی است؛ قبل از ورود به بحث باید اذعان داشت که همان ۴ صفحه و نیمه شروع کتاب، خودش به تنهایی یک داستان کوتاه غنی است با یک پایان اندوهگین که تکانت می‌دهد یعنی اگر قرار باشد از این روایت یک فیلم کوتاهی ساخته بشود، همان فصل اول کافی است از بس که خوب روایت و خوب جمع‌بندی شده و در همان ایچاز، شخصیت‌پردازی دارد، فضا سازی دارد، عمق دارد. ۴ صفحه‌ای که با توصیف تکان‌دهنده کشته شدن یک جوان به دست طالبان و با جمله کوتاه «موسی را کشتند» شروع می‌شود:

«در قبرستان آبادی، گوشه‌ای نزدیک چشمه مرده‌ها، برایش قبر کردند. قبری کوچک به اندازه قامتش که به زور به قدر و قامت کودکی ده‌ساله می‌مانست. وقتی آخرین بیل‌های خاک را از داخل گودال بیرون می‌انداختند و کف آن را هموار می‌کردند، ملاصالح رویش را به شاگردش کرد و آهسته گفت: «حیف که موسی دیگر آن موسی قدیم نموده بود، وگر نه حالی کرامت‌نشان می‌داد و بیخ طالبان کنده می‌شد.» در همین پارگراف کوتاه هم می‌توان نگاه معرفت‌شناسانه و مردم‌شناسانه نویسنده را باز یافت و وقتی که از انفعال و عجز جامعه در مواجهه با بحران‌های سیاسی پرده برمی‌دارد، مردمی چنان عاجز در برابر تغییر که به کرامت‌نمایی صاحبان کرامت برای ریشه کن کردن شرین و راهی از طالبان و قدرت‌زدگی‌شان می‌انداختند چنانچه به‌بال‌های هوایمباری رفتن از منجلاص بحران به سرزمین موعود، آنها در این قصه مانند یگان روانشناسی اجتماعی- تاریخی منفعلانه‌های هستند که برنرفتش از بحران را نه در مبارزه و رویارویی و مثل موسی قصه، خرت‌کنان فرانسای جست‌وجو می‌کنند. اما در هر حال قصه به‌رغم اشارات نویسنده به این واقعیت‌های جامعه‌شناسانه بعضاً تلخ، چنان نرم و ابریشمین است که کتاب را نمی‌توانی زمین‌بگذاری، دست را می‌دهی، به راوی و مثل موسی قصه، خرت‌کنان خرت‌کنان می‌روی جلو. می‌روی به دل یک زندگی سراسر رنج و اندوه و مبارزه در متن یک تاریخ اجتماعی و سیاسی تلخ، طالبان و کودتا و آخرش هم بن‌لادن و برج‌های دوقلو، یازده سپتامبر و تأثیرش بر حیات مردم مستاصل افغانستان؛ و به راستی که یک قصه‌گو، یک داستان‌نویس، چقدر باید آگاه و قلمش چقدر باید آرموده باشد که بتواند اینچنین با تبحر، این مولفه‌های مربوط به تاریخ سیاسی را بر یک متنت اجتماعی- ادبی و انسان‌شناختی بازنمایی کند و چگونه با ظرافت آن قاب‌بندی آغازین را که مردم در انتظار کرامت جسد موسی گشته شده برای برکنردن ریشه طالبان بودند، به چنین پایانی گره بزند:

«شیخ صاحب! خیلی اتفاق‌های مهم افتاده، در آمریکا دو طیاره را به دو تعمیر بزرگ زده‌اند و خیلی نفر کشته شده‌اند، من از راه مسجد به خانه رفتم تا سر و رویم را بشویم. وقت خرابی رادیو بود. گفتم یک دفعه خلاصه خبرها را گوش کنم. خبرها رادیو اعلان کرد. گفت آمریکا حمله را به گردن بن‌لادن و طالبان انداخته. گفته به آنها حمله می‌کند.» مردها در بهت فرو رفته بودند. ملاصالح پس از چند لحظه سکوت گفت: «خدا بیامرز ملاهاشم همیشه اعتقاد داشت که موسی کرامت‌دار دارد. راست می‌گفت. حالی هم شری خیسته که شاید خیر ما در آن باشد.» در چهره مرده‌های مجلس شادمانی‌ای آمیخته با تشویش دیده می‌شد. و این پایان داستانی است که با کشته شدن موسی به دست طالبان شروع شد و با امید به اینکه کرامت اوست که در قالب دشمنی آمریکا با طالبان جلوه‌نمایی کرده و ریشه طالبان را خواهد زد، به پایان می‌رسد، گویی نویسنده تانتهای داستان به بازنمایی آن روحیه نوامید متغلاانه در جامعه بسته روایت خود، که مبارزه مدنی در آن جایی ندارد و چشم‌شان برای نجات یا به کرامت و یا به قدرت‌های خارجی است، وفادار مانده است. وفاداری معنماندی که از روایت داستانی او یک قصه اسطفس دار تاریخی بر ساخته است.



در گفت‌وگو با محمود هادی پور دهشال بررسی شد:

تلاش برای رسیدن به نظریه جامع «انقلاب اسلامی»

- از «فقدان نهادهای اقتصادی» تا رد نظریه «دوقلوهای بازار و مسجد»
- از «فقدان نهادهای اقتصادی» تا رد نظریه «دوقلوهای بازار و مسجد»
- بازار و مسجد»

چهره‌ای شناخته‌شده در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است و مقاله‌های متعددی در این حوزه منتشر کرده است. در زمینه مدیریت و آموزش پژوهشی نیز از ایشان کتابی با عنوان «طراحی دوره‌های بازآموزی برای شاغلین رشته‌های پزشکی» در دسترس است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی پیرامون کتاب «فرایند...» است.



آرمان ملی: محمود هادی پور دهشال، به‌رغم تحصیل در رشته داروسازی و اشتغال به این حرفه، ابتلا به تالاسمی او را با صنف‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و مدنی ایران آشنا کرد. از همین مسیر، به دنیای سیاست و به‌ویژه جامعه‌شناسی سیاسی علاقه‌مند شد و در اولین تلاشش در این وادی کتاب «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» را تألیف کرد. او در عرصه مدیریت و پیشگیری تالاسمی،

توفیق‌ها و ناکامی‌های تکنوکرات‌ها پرداخته شده است. این فصل از آن‌رو اهمیت دارد که در نقد دوران نوسازی ایران به فصل مهم منبع انسانی نوسازی و چگونگی به‌کارگیری این منبع ارزشمند کمتر پرداخته شده است. فصل پنج و شش به جمع‌بندی نظریه انقلاب اختصاص دارد. در فصل پنجم ایجاد پتانسیل انقلاب و در فصل ششم به نحوه تجمیع این پتانسیل زیر چتر شیعه سیاسی پرداخته شده است.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

از منابع گوناگون در نگارش کتاب بهره گرفته شد. با توجه به ریشه‌یابی انقلاب از جنبه‌های مختلف تأکیر منابع متنوع استفاده شد. مثلاً در زمینه اندیشه سیاسی، منبع اصلی تحقیقات جواد طباطبایی بود یا در زمینه تکنوکراسی تحقیق تاریخ شفاهی هاروارد بسیار منبع خوبی بود. کتاب هانتینگتون با عنوان سامان سیاسی برای تحلیل نظریه انقلاب بسیار راهگشا بود. همچنین کتاب نبرد قدرت در ایران نوشته محمد سمعی به دلیل انتخاب مسیر درست تحلیل انقلاب منبع ارزشمندی محسوب می‌شد.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.



فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران

اقتصادی در شکست نوسازی آمرانه و رانتیر نفتی کمتر توسط محققین بررسی شده است. این کتاب اما قصد دارد از یک جنبه نگرانی اجتناب کند و به اهمیت نهادهای اقتصادی و سیاسی تأکید کند.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

آرمان ملی: «فرایند: نظریه‌ای برای انقلاب اسلامی ایران» عنوانی تحقیقی، تحلیلی، پژوهشی و حتی روانکاوی از شماسست که اخیراً از سوی نشر لوگوس به چاپ رسیده است. ابتدا از لزوم تبیین نظریه جامع برای انقلاب اسلامی ایران به بحث پرداخته شد. در این کتاب، نظریه جامع به دو بخش اصلی تقسیم شده است: نظریه اقتصادی و سیاسی انقلاب، و نظریه اجتماعی و فرهنگی آن.

نخستین گمانه‌زنی درباره نوبل ادبیات

است، در ابتدا سابقه ادبی نداشت و سال‌های زیادی را به عنوان یک کارگر معمولی گذراند. او نخستین رمان خود را به نام «آبر شناور قدیمی» در سال ۱۹۸۶ منتشر کرد. با این حال، برجسته‌ترین اثر او «عشق در هزاره جدید» است که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد. این نویسنده چینی به خاطر ساختار روایی جاه‌طلبانه و تجربی آثارش شناخته شده است. کتاب‌های نوشته شده توسط «ژو» اغلب از نمادگرایی برای شبیه‌سازی جهان‌های روایی و خارق‌العاده استفاده می‌کنند. صاحب‌نظران ادبی او را از نظر سبکی با «فرانتس کافکا» مقایسه کرده‌اند. نویسنده‌های او همچنین عناصر فرهنگ غربی و چینی را در هم می‌آمیزد. وقتی او را با سایر رقبای احتمالی نوبل ادبیات مقایسه می‌کنید، گزینه بسیار قابل‌اعتباری به نظر می‌رسد. نام «جرالد مورین» نویسنده کهنه‌کار و ۸۴ ساله استرالیایی، «یون فوسه» نویسنده و نمایشنامه‌نویس اهل نروژ و «پیر میسون» نویسنده فرانسوی و «توماس پینچ» نیز در میان شانس‌های نوبل ۲۰۲۳ مطرح است.

تا انتخابی بر حاشیه مثل «باب دیلن» این جایزه را دریافت کرده‌اند. «هاروکی موراکامی» همواره در چند سال اخیر یکی از بخت‌های اصلی کسب جایزه نوبل ادبیات بوده، اما نتوانسته این جایزه را کسب کند. رمان عاشقانه «جنگل نروژی» او که در سال ۱۹۸۷ منتشر و به اثری پرفروش تبدیل شد، او را به عنوان یک ستاره ادبی به شهرت رساند. «۱۴۸۴» طولانی‌ترین رمان «موراکامی» است که سال ۲۰۰۹ در سه جلد به زبان ژاپنی چاپ شد. «سوگورو تازاکی» بی‌رنگ و سال‌های زیارتش در سال ۲۰۱۳ روانه بازار و با استقبال زیادی مواجه شد و جدیدترین اثر او به نام «قتل فرمانده» نیز در سال ۲۰۱۷ منتشر شد.

با این حال گشتی در میان سایت‌هایی که به پیش‌بینی یکی از غیرقابل‌پیش‌بینی‌ترین جوایز دنیا اقدام کرده‌اند نشان می‌دهد امسال پس از «موراکامی» نام یک نویسنده زن کمتر شناخته‌شده چینی به نام «کان ژو» نیز به عنوان بخت دوم دیده می‌شود؛ گزینه‌ای که با توجه به انتخاب‌های چند سال اخیر آکادمی سوئد چندان هم بی‌ربط نیست. نام این نویسنده ۶۷ ساله چینی در میان شانس‌های نوبل ۲۰۱۹ نیز مطرح شده بود، اما در نهایت جایزه آن سال به «پیتر هاندکه» رسید. «کان ژو» که نام اصلی او «دنگ شیائوهوا»

پیش‌بینی‌ها امسال «هاروکی موراکامی» را در کنار یک نویسنده چینی به عنوان شانس‌های اصلی دریافت جایزه نوبل در رشته ادبیات مطرح کرده‌اند. به گزارش ایسنا، با نزدیک شدن به روزهای اعطای جوایز نوبل در شاخه‌های مختلف، تنور پیش‌بینی‌ها درباره برندگان این جوایز دوباره داغ شده و امسال نیز یک گزینه تکراری به نام «هاروکی موراکامی» نویسنده پرتعداد ژاپنی در سایت‌های نظر سنجی بیش‌ترین اقبال را برای دریافت مهم‌ترین جایزه ادبی جهان دارد؛ اتفاقی که در چند سال گذشته تنها در حد یک گمانه‌زنی باقی مانده است.

آکادمی سوئدی نوبل مسئول انتخاب برنده نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۷ یک نویسنده ژاپنی دیگر به نام «کازو ایشیگورو» را شایسته دریافت این جایزه دانست و «مو یان» نویسنده چینی هم در سال ۲۰۱۲ دیگر نویسنده آسیایی بود که در دوره اخیر موفق به دریافت این جایزه شد. سلیقه آکادمی سوئد در انتخاب برنده نوبل در رشته ادبیات حداقل در یک دهه اخیر بیشتر به سمت نویسندگان کمتر شناخته‌شده در افکار عمومی بوده است و در چند سال اخیر چهره‌هایی از «پیتر هاندکه» تا نویسندگان کمتر شناخته‌شده چون «اولگا توکارچوک»، «لوئیز گلیک» و «عبدالرزاق گورن»